نفی تعدد قرائات در بیان صاحب حدائق

- الف) روایاتی که به تغییر آیات اشاره می کنند
- ب) روایاتی که به حذف آیه ای سوره اشاره می کنند

الف) روایاتی که به تغییر آیات اشاره می کنند

از اینجا داشتیم عبارت صاحب حدائق را میخواندیم. جلسه قبل به صفحه ۱۰۵ رسیدیم. صاحب حدائق خودشان تصریح بسیاری مغتنمی کردند -تصریحی که در مقام در بود- به اینکه کلمات اصحاب این است که قرائات، متواتر به رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله است. این خیلی مهم است. خودشان میگویند که اصحاب این را میگویند. پس دیگر ما تردیدی نداریم. کسی که میخواهد آنها را رد کند، سخن آنها را میداند. صاحب وسائل هم که مقداری قبل از ایشان بودند، عبارتی دارند؛ من که این عبارت را خواندم در ذهنم تمسخر آمد؛صاحب وسائل میگویند مسخره است که شما میگویید قرائات متواتر است و منظورتان از تواتر هم این باشد که به عاصم و حمزه و ... برسد. مگر اینها چه کسانی هستند؟! اینها چه محلی از اعراب دارند؟! بلکه اگر میگویند متواتر است، متواتر به اصل است. این را در کتاب تواتر القرآن فرمودند.

صاحب حدائق بعد از این فرمودند چه کنیم؟ وقتی به روایات الآل مراجعه میکنیم؛ «و هو عند من رجع إلى اخبار الآل (عليهم صلوات ذي الجلال) لا يخلو من الاشكال»، سه اشکال میکنند. اولاً، ثانیاً، و ثالثاً. مقدمه اشکال سوم را هفته قبل خواندیم.

ایشان در ثالثاً فرمودند که روایات این ادعا را رد میکند. در صفحه 99 میفرمایند عامه روایت سبعه احرف را آوردند و اگر هم در روایات شیعه آمده باشد، تقیه است. تا ذیل صفحه ۹۹ میفرمایند که این تقیه مداراتی است. صفحه ۱۰۰، کلام شیخ الطائفه و مرحوم طبرسی را آوردند و به آنها تعبیر صریح را نسبت دادند. ما هم چقدر بحث کردیم که علاوه‌براینکه صریح نیست، بلکه برعکس است. بعد کلام ابن جزری را آوردند و فرمودند: صریح در این است که میتواند از این قرائات، شاذ هم باشد. و حال آنکه مقصودش اصلاً این نبود. در صفحه ۱۰۲، حرف زمخشری را آوردند که ما در هیچ کجا آن را پیدا نکردیم. پیدا نکردیم که زمخشری کجا گفته است. تا اینکه میفرمایند:

> ثم أقول: و مما يدفع ما ادعوه أيضا استفاضة الأخبار بالتغيير و التبديل في جملة من الآيات من كلمة بأخرى زيادة على الأخبار المتكاثرة بوقوع النقص في القرآن و الحذف منه كما هو مذهب جملة من مشايخنا المتقدمين و المتأخرين
>
> [1]

«ثم أقول»؛ میفرمایند من میخواهم مطلبی را بگویم؛ گویا در نظر ایشان کار تمام میشود. شما میگویید اینها متواتر است؟!

«و مما يدفع ما ادعوه»؛ ادعای این را که تواتر در قرائات ثابت است،**«أيضا استفاضة الأخبار بالتغيير و التبديل في جملة من الآيات من كلمة بأخرى»؛** ائمه علیهم‌السلام جای یک کلمه را عوض کرده‌اند، یا کلمه‌ی دیگری را جای آن گذاشته‌اند. اخبار مستفیضه دارد. این اولاً

[1]الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، ج٨، ص: ١٠٢

ب) روایاتی که به حذف آیه ای سوره اشاره می کنند

اما دوم؛ «**زيادة على الأخبار المتكاثرة بوقوع النقص في القرآن و الحذف منه**»؛ اینکه اصلاً یک آیه نیامده، یک سوره نیامده، اینها را چه کار کنیم؟! اگر متواتر بود که این روایات در این باب متواتر نمی‌شد.«**كما هو مذهب جملة من مشايخنا المتقدمين و المتأخرين**». بعد شروع می‌کنند مواردی را می‌آورند.

ابتدا من خلاصه و دورنمایی از بحث که به ذهنم می‌آید را عرض می‌کنم. ایشان دو بخش و دو طایفه مهمی از روایات را می‌گویند. انصافاً هم اگر استیعاب شود، خیلی مفصل است. برای بخش اولی که ایشان از مستفاضه می‌گویند، مرحوم محدث نوری در فصل الخطاب در باب دوازدهم یا یازدهم، هزار و پانزده حدیث می‌آورند. این کم است؟! برای بخش اول فرمایش ایشان، هزار روایت آورده‌اند.